ظن در رکعات نماز، نقض بر حمل معنای «رأی» بر معلوم السببیة

> عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَيَابَةَ وَأَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا لَمْ تَدْرِ ثَلَاثاً صَلَّيْتَ أَوْ أَرْبَعاً وَ وَقَعَ رَأْيُكَ عَلَى الثَّلَاثِ فَابْنِ عَلَى الثَّلَاثِ وَإِنْ وَقَعَ رَأْيُكَ عَلَى الْأَرْبَعِ فَسَلِّمْ وَانْصَرِفْ وَإِنِ اعْتَدَلَ وَهْمُكَ فَانْصَرِفْ وَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَأَنْتَ جَالِسٌ.[1]

«إِذَا لَمْ تَدْرِ ثَلَاثاً صَلَّيْتَ أَوْ أَرْبَعاً»؛ زیر کلمه «لم تدر» خط بکشید. **«وَ وَقَعَ رَأْيُكَ عَلَى الثَّلَاثِ»؛** اما رأی تو بر سه واقع شده. این‌جا از موارد استعمال «رأی» است که صریح در این است که به دنبالش شک است. رأیی است که نمی‌تواند با قطع جمع شود. حتی در نظر قاطع به این صورت است؛ «رایک» یعنی خودت هم می‌دانی که این رأی تو قطع نیست. **«إِذَا لَمْ تَدْرِ ثَلَاثاً صَلَّيْتَ أَوْ أَرْبَعاً وَ وَقَعَ رَأْيُكَ عَلَى الثَّلَاثِ»**؛ این دلالت روشنی دارد بر این‌که «رایک» یعنی ظنک. **«...وَ إِنِ اعْتَدَلَ وَهْمُكَ»؛** یعنی وقتی شکت مستقر شد، **«فَانْصَرِفْ وَ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَ أَنْتَ جَالِسٌ».**

خُب این روایت دوم که استعمال روشن‌تری دارد، در آن عرض دیروز من هست یا نیست؟ در روایت فرمودند «و لیس بالرای و لابالتظنی»، در این‌جا که حضرت می‌فرمایند «وقع رایک» یعنی سببش معلوم است؟! «وقع رایک» یعنی یک ظنی داریم که سببش معلوم است یا ظنی داریم «من حیث لایشعر»؟! گمان من این است که حتی اگر ذهن سراغ دومی نرود، سراغ اولی که اصلا نمی‌رود. چرا؟ چون انسان در نماز وقتی گمان بیشتری دارد نوعاً از حال ناخودآگاه خودش است. نه این‌که دقیقاً در نماز می‌فهمد که چرا ظن من به این است. لذا به گمانم این یکی از مواردی است که استعمال عرفی آن یک نقض باشد بر این‌که بگوییم رأی یعنی جایی که سببش معلوم است.

---

[1] الكافي- ط الاسلامية نویسنده : الشيخ الكليني جلد: ۳ صفحه: ۳۵۳

بازبینی #1
ایجاد شده 5 آوریل 2026 13:30:41 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 آوریل 2026 13:32:06 توسط ... .